

سحر و جادو و افسون

افسون

در فرهنگهای لغت، واژه فارسی افسون به معانی گوناگون آمده که سحر، عزیمة و به ویژه کلمات و اوراد نوشتنی و گفتنی جادوگران و افسون خوانان (عزیمة خوانان) و ساحران از جمله آنهاست.

نظامی گوید:

«آن فسون خوانان که در تن جان به افسون می دهند

پیش آن لعل فسون خوان، لب ز افسون بسته اند».

افسون را به معنی عام و مطلق، بر همه انواع رقیه، عزیمة و تعویذ که در آن حروف و کلمات نوشتنی، خواندنی و دمیدنی در کار باشد، اطلاق کرده و عامل آن را افسونگر، افسون خوان و افسون دم نامیده اند.

واژه های افسونگر، افسون خوان و افسون پرداز به معنای ساحر و جادوگر، و افسونگری به مفهوم سحر و جادوگری نیز در فرهنگها آمده اند.

نظامی گوید:

«چه عمریست کو را به چندین خطر

به افسونگری برد باید به سر».

متن افسونی کوتاه چندسطری برای رماندن گزندگان در کتاب روایات پهلوی آمده است که در آن از فریدون، که دارای نیروی شفا بخش بود، و ستاره و نند (ستاره نسر واقع که آن را به سبب ایستادگی اش در برابر جانوران موزی ستایش می کردند) برای مصون ماندن از زهر جانوران، یاری می طلبیدند.

متن این افسون که در روز پنجم اسفند (روز اسفندارمذ) به کار برده می شد، با درآمیختگی با برخی کلمات اسلامی، در میان مسلمانان تا سده های ۴ و ۵ قمری به کار می رفته، و متن فارسی آن در آثار الباقیه و تحفه الغرائب آمده است.

در فصل ۶۳ روایات پهلوی به افسونهای ضد تب و بند آمدن خون اشاره شده است. بنا بر آن، ریسمانی را می ریسیدند و ۳ لا می کردند و بنا به مورد، گره هایی به آن می زدند و بر بازو می بستند تا تب قطع شود، یا دعایی از ۳ کلمه را چند بار برای بند آمدن خون بدن می خواندند.

در زمان حیات پیامبر اسلام (ص)، ساحرانی بودند که با بستن گره به ریسمان و خواندن و دمیدن افسون به آنها و انجام دادن برخی اعمال جادویی، در کار افراد گره می انداختند و آنان را جادو می کردند.

مثلاً بنا بر روایاتی درباره «سحر النبی» در صحیح بخاری، انوار التنزیل بیضاوی و مقدمه ابن خلدون که در صحت آن تردید کرده اند، یک یهودی افسونگر تبهکار به نام لبید بن اعصم با بستن ۹ یا ۱۱ گره بر ریسمانی و همراه کردن آن

با شانه و موهای دم شانه که در پوست و برگ نخل نهاده شده بود و انداختن آن در چاهی که کسی از جای آن آگاه نبود، پیامبر (ص) را جادو و بیمار کرد.

آنگاه جبرئیل بر پیامبر (ص) فرود آمد و پنهانگاه ریسمان را به آن حضرت آشکار نمود. پیامبر (ص) با فرو خواندن دو سوره سحر زدای مَعُوذَه (سوره‌های فلق و ناس) که خداوند برای باطل کردن افسون ساحران نازل کرده بود، گرهها را یکایک گشود و از جادو زدگی رهایی یافت.

تمایز افسون و جادو

برخی جادو یا سحر و افسون را دو امر جدا از هم می‌دانند و میان جادوگری و افسونگری تمایز می‌گذارند.

در صورتی که وجوه تمایز میان این دو نیز مانند سحر و جادو دقیقاً مشخص نیستند و هر دو فن جادو و افسون در میان مردم بسیاری از جامعه‌ها، مفهوم و معنایی کمابیش یکسان دارند. جاهودا در روان‌شناسی خرافات، جادوگری را توانایی انجام دادن کارهای زیانبار و آسیب رساندن به دیگران تعریف کرده و آن را از ویژگیهای روحی شخصیت برخی از افراد دانسته است.

این توانایی ممکن است در کنترل ارادی شخص باشد یا نباشد. به هر روی، در جادوگری هیچ‌گونه عمل دیداری یا شنیداری از جادوگر سر نمی‌زند. برخلاف جادوگری، افسونگری پیوسته همراه با زینکاری و آسیب رساندن به دیگران است و افسونگر برای رسیدن به مقصود خود به اعمال گوناگون دست می‌زند و در شعائری مخصوص از جادو و اوراد جادویی و افسونهای گوناگون استفاده می‌کند.

طب روحانی

مؤلف یواقیت العلوم نیز افسون را به هر دو مفهوم ورد و جادو گرفته و در توضیح خود افسون (رقی) را از علمهای مکنون و رایج در همه روزگار و ستودنی در نزد همه ملتها و کاری که به دست زهاد و عباد و اصحاب صوامع انجام می‌گیرد، دانسته و گفته است که علما و حکما به آن اعتقاد دارند و آن را طب روحانی خوانده‌اند. او افسون را از نظر علمای زمان به دو دسته تقسیم کرده است: نخست افسونی که از زبان و قلم افسونگران نیک نفس برآید و آن نفس که مبادی حروف کلمات افسون است، از سینه برآرد و بر بیمار افکند، تا مؤثر آید، همچنان که کلمات بر کاغذ نویسد و بر وی بندد.

این نوع افسون ظاهراً انواع تعویذ، از جمله رقیه، نُشْره، نَفْره، تَمِیمه و... را که برای دوری انسان از شرّ آفات و بلایا خوانده یا نوشته و به کار برده می‌شد، در بر می‌گرفته است، مانند دو سوره معوذَه فلق و ناس قرآن که خداوند برای دفع افسون زنان افسونگر به پیامبر (ص) نازل کرد؛ یا افسونی که گویند در ۱۲۱۵ یا ۱۲۱۶ قمری میرزا محمد اخباری نیشابوری، از علمای مشهور صاحب معارف در علوم غریبه، بر پاره کاغذی نوشت و مردم فیروز آباد آن را بر چوب بلندی بستند و بر تلی در صحرا قرار دادند و ملخها را از کشتزارهایشان بیرون راندند.

جادوی محض

نوع دیگر از افسون است که در آن کلمات فحش و کفر باشد.

مؤلف یواقیت این نوع افسون را از نظر حکمای زمان جادوی محض دانسته و گفته است که این افسون جز از پلیدان و بی‌دینان برنیاید. افسونگران این نوع افسونها از شیاطین استعانت گیرند و در کارهای ناشایست به آنها تقرب جویند تا ارتباط میان ایشان و دیوان مستحکم گردد.

علما استعمال این نوع افسون را حرام، بلکه کفر دانسته‌اند.

ابوالقاسم کاشانی نیز در عرایس الجواهر به مهارت اویغوران و ترکان در آوردن باران و برف و تگرگ و باد و سرما با سنگ باران‌زا (معروف به یات) اشاره کرده، می‌گوید که این سنگ را در آب می‌نهادند و افسون و عزایم می‌خواندند تا در اثر آن باران یا برف آید.

سنگهای جادو

گذشتگان برای سنگها و گوهرها ارزش جادویی، درمانی و نیروی شرزدایی قائل بودند و برای حفاظت خود، از آنها به صورتهای زیور، حرز، تعویذ و طلسم استفاده می‌کردند.

در ایران و جوامع اسلامی نیز برخی سنگها و گوهرها را دارای خواص جادویی و درمانی می‌دانستند و استفاده از آنها را به مثابه طلسم در مواقع ضروری سودمند می‌انگاشتند؛ مثلاً از «حجر یرقان» حرز می‌ساختند و با خود همراه می‌کردند یا سوده آن را برای شفای بیماری یرقان به کار می‌بردند؛ یا انگشتری با نگینی از «حجر باغض الخل» می‌ساختند و آن را برای دور کردن چشم‌زخم و بی‌اثر کردن جادو در انگشت می‌کردند؛ همچنین سنگ عسلی رنگ «حجر القمر» را بر زن نازا و شخص مصروع می‌بستند تا بار گیرد و شفا یابد.

مسلمانان انواع سنگهای جادویی را برای دور کردن ارواح خبیث و شریر و باد جنهای بیماری‌زا از فضای زیست و تن بیماران، غلبه کردن بر دشمنان، جای گرفتن در دل دیگران و عزیز و محبوب آنان شدن، مانند همراه داشتن سنگها با خود، یا انداختن آنها در آب و نوشیدن آب، مالیدن سنگها به خود و یا بوییدن آنها به کار می‌بردند.

اعراب جاهلی، به ویژه زنان عرب، برای انواع سنگها و استخوانهایی به نام «هنمة»، «فطسة»، «قبلة» و «دردیس» که در گورستانها گردآوری می‌کردند و انواع «خرزات» (مهره‌ها) که آنها را معمولاً از احجار کریمه مانند «ینجلب»، «عقره»، «وجیهه» و «میرکن» و مانند آنها می‌ساختند، خاصیت جادویی و اثرات اعجاز انگیز قائل بودند و آنها را همچون طلسمات با خود همراه می‌کردند، یا به خود می‌آویختند.

برای همه این سنگها و استخوانها روحی مقدس یا نیرویی جادویی و فراطبیعی تصور می‌شد که آن‌ها را قادر به انجام دادن کارهایی شگرف می‌کرد. ملانزیاییها این نیرو را با مفهوم واژه «مانا» توصیف می‌کردند و معتقد بودند که برخی افراد و اشیاء مانند سنگ و استخوان، به واسطه ارتباط با ارواح و روان مردگان از مانا برخوردارند؛ از این‌رو، مثلاً پیروزی یک جنگجو را در اثر نیروی مانای نهفته در طلسمی سنگی که به گردنش آویخته، یا برگهای درختی که به کمر بندش بسته، و یا به اوراد و افسونی که می‌خواند، می‌دانستند.

این همان نیروی مقدسی است که از آن، ایرانیان باستان با نام «خُره» یا «فَرّ» و مسلمانان و اهل تصوف «سکینه» و «فروغ ال‌هی» نام برده‌اند و گویند که خداوند با تفویض این نیرو به برخی از بندگان خود و برخی اشیاء به واسطه تعلق و پیوندشان به امور قدسی، از این خاصیت جادویی برخوردار و تأثیرگذار می‌شوند.

دانشمندان عرب و ایرانی و گوهرشناسان، کتابهای بسیاری در چگونگی این جادوی سنگها و خاصیت‌های افسونی و درمانی آن‌ها نوشته‌اند که الجواهر فی الجواهر، نوشته ابوریحان بیرونی (به عربی، از سده ۵ق/۱۱م)؛ جواهرنامه نظامی، نوشته محمد بن ابی البرکات جوهری نیشابوری (به فارسی، تألیف: ۵۹۲ ق)؛ و تنسوخ‌نامه ایلخانی، نوشته نصیرالدین طوسی (به فارسی، تألیف: ۶۶۳ق) از جمله قدیم‌ترین آنها هستند.

پیدایش سحر و جادو در جوامع

با تحقیقات در فرهنگهای مختلف جهان، این اصل پذیرفته شده که تفکر جادویی همراه با تفکر جان‌پنداری یک فرایند عام و همگانی در میان تمام جامعه‌های آغازین بوده و برخی معتقدند بشر از سپیده‌دم تاریخ با جادو آشنایی داشته است.

در آغاز، جادو و جادوگری کوششی بود برای سیطره یافتن بر طبیعت و بهره‌گیری مطلوب از آن در راه گذران زندگی. در دوران جان‌پنداری و گرایش انسان به روح، تلاشهای انسان بیش‌تر به مهار کردن ارواح، ارواح نیاکان و نیروهای فراطبیعی و خدایان تمرکز داشت و در پی آن جادو به ارتباط متافیزیکی انسان و پیرامون آن تغییر ماهیت داد. در روزگاران کهن و در سده‌های آغازین صورت‌بندی جامعه‌های نخستین، باور به نیروهای فراطبیعی و ارواح زیانکار و سود رسان بسیار رایج بود و مجموعه‌ای از این باورها بنیان تفکرات دینی مردم آن دوران را شکل می‌داد.

در این جامعه‌ها با استعانت از اعمال جادویی و کاربرد سحر و افسون، به درمان بیماریهایی که منشأ آن‌ها را ارواح می‌دانستند، می‌پرداختند. مثلاً در هزاره‌های پیش از میلاد، مردم سرزمین بابل برای مقابله و مبارزه با ارواح خبیث و شریر و باطل کردن آثار زیانبار آن‌ها که موجب مرگ و بیماری می‌شدند و با ایجاد ناآرامیها و ناکامیها در میان مردم، نظم و روال عادی زندگی را برهم می‌زدند، به سحر و جادو توسل می‌جستند و از افسونها و طلسمات گوناگون در دفع آن‌ها بهره می‌بردند.

همه این کارها به کمک جادوگران و کاهنان قبایل انجام می‌یافت که نقش جادو-پزشک را در جامعه ایفا می‌کردند.

در متون طبی الواح بابلی نیز به این پنداشتها و مبارزه با این‌گونه ارواح و شیاطین و برخی شیوه‌های درمانی از راه‌های بهره‌گیری از اعمال جادویی اشاره شده است.

در مصر باستان نیز بیماریها را نتیجه کار دیوان و نیروهای جادویی ناشناخته می‌پنداشتند. پزشکان این سرزمین با خواندن اوراد، افسون‌ها و برپایی آیینهای دینی، جادویی، این ارواح شیطانی را از بدن بیماران بیرون می‌رانند.

در جامعه‌های آریایی، سامی، هندی، استرالیایی، آفریقایی و سایر سرزمینهای کهن نیز جادو بر همه سطوح جامعه سیطره داشت و جادو - پزشکی بود که از افسون‌ها، اوراد و اعمال جادویی برای باطل کردن و بی‌اثر ساختن اثرات زیانبار جادو، رماندن دیوان و نیروهای زیانکار و درمان بیماریها استفاده می‌کردند.

در الفهرست ابن ندیم آمده است که مصریان، بابلیان و برخی اقوام مانند هندیان، چینیان و ترکان، هریک از اقسام جادوها و شیوه‌های گوناگون سحر و افسون استفاده می‌کردند.

ظاهراً ساحری از میان رودان که خاستگاه و خانه سحر و جادو بود، به میان مردم عرب آمد، چون به احتمال زیاد کلمه عربی سحر از واژه اکدی، یا آرامی ساحیرو، به معنای ساحر و جادوگر گرفته شده است.

برخی، ایران را از جایگاههای اولیه پیدایش سحر و جادو و کلد و آشور را محل رواج و پیشرفت اعمال جادوگری، جن‌گیری، طلسم‌سازی و عزایم‌خوانی دانسته‌اند.

برخی نیز مانند هرویتس، بابل را مرکز آموزش جادو و رواج اعمال جادوگری می‌دانند.

ابن خلدون می‌نویسد که سحر و جادو، ستاره‌شناسی و آنچه بدانها وابسته بود مانند طلسمات در میان اقوام کهن مانند کلدانیان و سریانیان بابل، قبطیان مصر و اقوام دیگر بسیار متداول بوده و بازار گرمی داشته است.

به نوشته همو پیش از بعثت حضرت موسی (ع)، جادوگران در بابل و مصر بسیار فعال بودند و آثاری از افسونهای آنان هنوز در «براری» واقع در سرزمین مصر بر جای مانده است.

در آن دوره کار سحر و ساحری در مصر به اوج قدرت و نهایت شهرت رسیده بود و ساحران آن سرزمین چنان در فن و هنر جادوگری مهارت داشتند که عقلهای مردم را حیران و دل‌های آن‌ها را به خود شیفته و مفتون کرده بودند.

خداوند در سوره اعراف به معارضه داناترین جادوگران مصر با حضرت موسی (ع) اشاره می‌کند و باطل شدن سحر و جادوی آن‌ها را با معجزه اژدها گردیدن عصای موسی (ع) و بلعیدن جادوهای ایشان بیان می‌دارد.

در آن میان، نام دو تن از داناترین و هنرمندترین این گروه از جادوگران مصری معارض موسی (ع) را، جیس و جمبرس ذکر کرده‌اند.

اشاره قرآن کریم

خداوند در قرآن کریم کسانی را که به مردم جادوگری می‌آموختند، شیطان (دیو) و کافر خوانده و به دو فرشته هاروت و ماروت، آموزشگران جادو در بابل و تنبیه آن‌ها اشاره کرده و فرموده است: «سحری به آن دو نازل شد که آنان به هنگام آموختن آن به مردم کار خود را فتنه می‌نامیدند و مردم را هشدار می‌دادند که مبادا با به کار بردن سحر کافر شوند».

به استناد آیه یادشده، گفته‌اند که سحر و جادو از بابل به سرزمین اسرائیلیان رفت و در زمان سلیمان، دیوان یا شیاطین به مردم فلسطین سحر می‌آموختند.

در عهد عتیق ساحر یا جادوگر برگردان کلمه خَرْتَم، طبقه‌ای از کاتبان مقدس است که در نویسندگی مهارت داشتند و با داشتن اطلاعات وسیع مدعی آشنایی با علوم غریبه بودند و به اعمال جادویی، خوابگزاری و تعبیر رؤیا می‌پرداختند.

آیات اختصاص یافته به سحر و ساحری

در قرآن کریم ۶۶ آیه به سحر و ساحری اختصاص دارد. از این آیات فقط ۳ آیه در مدینه به پیامبر (ص) وحی شده است. در سوره‌های مائده و انعام و آیاتی در سوره‌های دیگر، کلمه «سحر» به معنای افسون و جادو، و در سوره اعراف و سوره مؤمنون کلمه «سَحَر» به معنای جادو، سحر و افسون کردن و به کار بردن سحر آمده است.

در سوره اسراء کلمه مَسْحور و در سوره شعراء کلمه مُسَحَّر به معنای جادوشده به کار رفته است. افزون بر آن کلمات ساحر (جادوگر) و ساحرون (جادوگران) و سَحَّار (جادوگر بزرگ) در آیات سوره‌های دیگر نیز آمده است.

در ترجمه و تفسیر کهن فارسی قرآن کریم اثری احتمالاً از سده ۱۰ قمری واژه‌های فارسی جادوی، جادویان، جادویی، جادویی کرده شده، جادویی کردگان و جادویی به ترتیب برابر کلمات سحر، السَّحرون، سَحَّار، مَسْحوراً، مَسْحورون و ساحر گزیده شده است.

جادو در دین زردشتی

برخی معتقدند که جادوکاریهایی مانند طالع‌بینی، زاپچه‌شناسی، دفع اجنه و شیاطین و ارواح خبیث، دعانویسی و آینده‌بینی را مُغها به کیش زردشت وارد کردند. مُغها کسانی بودند که درمان کردن بیماریها را برعهده داشتند و اعمال جذب دوست و دفع دشمن و آزار دادن کسان را در جامعه انجام می‌دادند. این افراد با ساختن مجسمه مومی به شکل اشخاص و انجام دادن برخی کارهای جادویی روی آنها، این اشخاص را به دردها و زخمهای مهلکی دچار می‌ساختند.

عصر زردشت

در عصر زردشت جادو و جادوگری در همه‌جا رایج بود و مردم آن را فریب‌کاری و امری زشت می‌انگاشتند.

بنابر روایتیهایی در متون پهلوی، مردم دهی که دوغدو، مادر زردشت، در دوران دوشیزگی در آن می‌زیست، از پرتو نوری که به سبب ورود فره ایزدی در درون او، از او بیرون می‌تراوید، شگفت‌زده شدند و به نزد پیشگویان شکایت بردند و او را به جادوگری متهم کردند و از ده بیرون راندند.

دوغدو به دهی که پدر دودمان زردشت در آن می‌زیستند رفت و با پدر زردشت ازدواج کرد. هنگامی که نطفه زردشت در زهدان او بسته شد، دیوان (جادوان) ده برای نابود کردن زردشت در شکم مادر، دوغدو را به تب و درد آزاردهنده‌ای دچار کردند.

وعدو برای بیرون کردن بیماری از تن خود خواست نزد جادو - پزشکان رود، اما ایزدان او را از این کار باز داشتند. زردشت که پزشکی و دیگر پیشه‌ها و هنرها را از راه دانش ایزدی و بینش مینوی آموخته بود، در دوره حیات وردهایی را که از راه دین فرا گرفته بود، برای دور کردن بلا و شکست دادن دیو و پری و بی‌اثر کردن جادوگری و پری‌گری و درمان کردن بیماریها و مانند آن‌ها به کار می‌برد.

در مینوی خرد آمده است: «گویند زردشت با جادوان می‌ستیزد و به اهرمن می‌گوید که با او می‌جنگد و او و دیوان و دروجان و جادوگران و پریان را جملگی با هوم (گیاهی که شیره آن در مراسم دینی به کار می‌رود) و برسَم (شاخه‌های درختی که موبد در مراسم دینی در دست می‌گیرد) نابود می‌کند».

تقسیم بندی سحر و جادو

تقسیم بندی فخرالدین رازی

فخرالدین رازی از نخستین فیلسوفانی است که در سده ۶ ق/۱۲م در مفاتیح الغیب یا التفسیر الکبیر مبحثی به سحر اختصاص داده، و این فن را بر اساس موضوع و طریق کار ساحران به ۸ نوع تقسیم کرده است:

۱. سحرکلدانیان و کسدانیان (همان نبطیان) که از اقوام دوران قدیم بودند و ساحران، کواکب را در تدبیر امور این عالم کارساز و موجب صدور خیر و شر و خوشبختی و شوم بختی مردم می‌دانستند.
 ۲. سحر صاحبان اوهام و نفوس قوی که با اتفاق و تأثیر در نفس انسانها، آنها را قادر می‌ساختند از اسرار پوشیده و پنهانی و عجایب عالم آگاه شوند. این نوع سحر نیز وجوه مختلف داشته است.
 ۳. سحری که به کمک دو دسته از ارواح زمینی نیک و بد عمل می‌کرد. این ساحران جنها را دو دسته مؤمن با ارواح نیک و کافر با ارواح بد می‌دانستند.
 ۴. سحر تصرف در خیال و نشان دادن صورتهایی برخلاف واقع در چشم که همان شعبده و چشم بندی است، با مقدماتی چند.
 ۵. خدانود از آن این گونه: «... سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ...»: به جادوگری چشم خلق بیستند» یاد کرده است.
 ۶. سحری که با اعمال عجیب و غریب سروکار داشت و در نتیجه درآمیختن با اسبابها و افزارهای دیگر آشکار می‌شد.
 ۷. سحری که با به کارگیری ادویه و کمک از خواص آن‌ها در تأثیرگذاری بر عقول انسان بهره می‌گرفت.
 ۸. سحر ساحرانی که ادعای آشنایی با اسم اعظم داشتند و با مطیع کردن اجنه و فرمانبری آن‌ها می‌توانستند در قلبها تأثیر گذارند.
 ۹. سحر از راه سخن چینی و فتنه‌انگیزی چابک دستانه و لطیف که در میان مردم بسیار رواج داشت.
- بستانی در دائرةالمعارف به ۴ نوع سحر مورد اشاره در کتاب فخرالدین رازی اشاره کرده است.

تقسیم بندی ابن سینا

ابن سینا در فصل سی‌ام از مبحث دهم کتاب اشارات خود سحر را برآمده از عالم طبیعی و مبتنی بر ۳ مبدأ: نخست، هیئت نفسانی؛ دوم، خواص اجسام عنصری مانند جذب آهن به آهن‌ربا به واسطه نیروی مخصوص آن؛ و سوم، قوای سماوی دانسته است.

سحر از قسم اول مربوط به نیروی اراده و قدرت تصرف نفس است و معجزات و کرامات نیز از این نوع سحر به شمار می‌رود؛ نیرنجات از قسم دوم سحر و به تأثیر خواص اجسام عنصری مربوط است؛ و طلسمات از قسم سوم سحر و با تأثیر قوای سماوی با امزجه اجسام یا قوای نفوس ارضی پیوند دارد.

ابن سینا در رساله کنوزالمعزمین (رساله‌ای به فارسی در علوم غریبه) شامل نیرنجات، طلسمات و رقیه، برخی از انواع جادو را توضیح می‌دهد. مثلاً در استعانت جادوگران از ستارگان در تأثیرگذاری بر زندگی جاری و غلبه بر دشمن و صاحب خزاین و مال و اسباب شوکت‌شدن و مانند آن‌ها می‌نویسد که صاحبان جادو هر کوی را برای کاری مهم و خاص به کمک فرا می‌خواندند؛ مثلاً ۵ بار مریخ را جهت قوت یافتن بر دشمنان و هلاک آنان و فتح و ظفر بر لشکر، یک بار قمر را برای دفع سحر و مکر و جادو و نیرنگ و تندرستی بخشیدن و ۳ بار زهره را برای عیش و کامرانی و طرب و لذت و عزیز و گرامی شدن در چشم خلائق، به ویژه زنان.

تقسیم بندی ابن خلدون

در مقدمه ابن خلدون ساحران در ۳ مرتبه و هر یک با نفوس مخصوص به خود طبقه‌بندی شده‌اند:

نخست ساحرانی که بدون ابزار و وسایل و تنها با بهره‌گیری از توان، اراده و همت خود تأثیر می‌گذاشتند و فلاسفه این مرتبه را سحر می‌نامیدند؛ دوم ساحرانی که با کمک گرفتن از ترکیب و خاصیت افلاک یا طلسمات و خواص عناصری اعداد تأثیر می‌گذاشتند؛ سوم ساحرانی که در قوای متخیله مردم تأثیر می‌گذاشتند و با بهره‌گیری از قدرت تلقین، خیالات و تصوراتی را پدید می‌آوردند تا بتوانند اشیائی را که حقیقت ندارند و در بیرون برای آن‌ها واقعیتی متصور نیست به چشم بنمایانند. فلاسفه این مرتبه از ساحری را شعُوده یا شُعَبده و چشم‌بندی نامیده‌اند.

تقسیم بندی بستانی

در دائرةالمعارف بستانی جادو (سحر در عربی) به ۴ نوع تقسیم شده است: نخست جادوی طبیعی، انجام دادن کارهای شگفت‌انگیز به کمک دانش و آگاهی از حوادث طبیعی؛ دوم جادوی ریاضی، مبتنی بر دانش و آگاهی از نوامیس مواد آلی؛ سوم جادوی سام، هنرگرداندن صورت اشیاء به شکل عجیب و غریب، که این نوع را جادوی سیاه نیز می‌نامند؛ و چهارم جادوی احتفالی که خود به جادوی ارتباط و گفت و گو با ارواح خاکی، و جادوی ارتباط و گفت و گو با ارواح علوی یا آسمانی تقسیم می‌شود.

یستانی از دو نوع جادوی سفید و سیاه نیز نام برده، و زمینه جادوی سفید را اصولی و ال‌هی، و جادوی سیاه یا جادوی جهنمی را شیطانی دانسته است. در جادوی سیاه، جادوگران با به خدمت گرفتن شیطان، مقاصد زیانکارانه خود را با چشم‌زخم زدن اعمال می‌کنند.

تقسیم بندی توفیق فهد

توفیق فهد در تقسیم بندی خود از جادو در جوامع اسلامی، جادوی سیاه را در برابر «علم‌السحر» و جادوی سفید یا جادوی طبیعی را در برابر «علم‌الحیل و الشعوذه» آورده و به این دو شاخه از جادو، یک نوع جادوی دیگر با عنوان «علم‌الخواص و الطلاسم»، یا به اصطلاح غربیان تئورجی را هم افزوده است.

او جادوی سیاه یا علم‌السحر را به جادوی غیب‌گویی، جن‌گیری، عزایم، اوراد و احضار ارواح به صورت جسمانی و جادوی سفید یا علم‌الحیل و شعوذه را به ارتباطات متقابل میان نیروهای مؤثر و سودمند، قابلیت غیب شدن آنی از منظر و شعبده‌بازی و تئورجی یا علم‌الخواص را به خواص اسماء ال‌هی، اعداد و برخی اوراد، جادوی همدردی یا سحر، تعویذات، طلسمها و افسونها و خواص گیاهان طبی توجیه کرده است. به نوشته همو، جادوی سفید در عربی با دو اصطلاح «سیمیا» و «نیرنجات» (جمع نیرنج و برگرفته از واژه فارسی نیرنگ) شناخته می‌شود و هر دو این اصطلاحها برای پندارهای باطل، شعبده‌بازی، فریبکاری و سفسطه‌کاری به کار می‌روند.

استفاده جادو در ایران

در حل‌المشکلات، کتابی درباره علوم غریبه، به عمل جادویی موفقیت‌آمیز میر غیاث‌الدین منصور دشتکی اشاره شده است که: چون شاه طهماسب صفوی در فتح قلعه شماخی توفیق نیافت، دشتکی نقش صورتی از سردار قلعه شماخی روی ورق کاغذی نگارید و افسونی بر آن خواند و رقیه را به قصد پیروزی شاه بر دشمن، به او سپرد. در روز موعود قلعه سقوط کرد و سر سپهسالار قلعه را آوردند و شاه رقیه را گشود و نقش صورت او را در آن دید.

همچنین، فسایی، مؤلف فارس‌نامه ناصری، در وقایع سال ۱۲۲۰ق از کارهای جادویی و غریب میرزا محمد اخباری نیشابوری، از علمای مشهور و صاحب معارف در علوم غریبه، یاد کرده و نوشته است که او برای پیروزی فتحعلی شاه بر ایشپخدر، سردار روس و کشتن او، شکل صورت او را بر دیوار زاویه شاهزاده عبدالعظیم کشید و افسونی خواند و چند روز بعد کاردی بر پهنه تمثال او زد و بیرون آورد و گفت ایشپخدر را کشتند. چنان‌که روایت می‌کنند، این قتل در تاریخ پیش‌بینی شده روی داد و سر بریده ایشپخدر را به نزد شاه آوردند.

گلکسار رایبه دهنده فلزیاب های هوشمند و تمام اتوماتیک با
تکنولوژی برتر و کاربری آسان برای افراد آماتور و حرفه ای

2سال گارانتی و 10 سال خدمات پس از فروش از جمله پاسخگویی به

سوالات شما

جهت مشاهده محصولات جدید شرکت گلکسار به
سایت www.GaLexar.com مراجعه کنید

کانال های تلگرام گلکسار:

[@galexarco](https://t.me/galexarco) کانال رسمی گلکسار

[@galexardl](https://t.me/galexardl) کانال دانلود نرم افزارها، کتاب، کاتالوگ و...

برای **دانلود رایگان** انواع کتاب های علوم غریبه و کتاب های آثار و علایم
گنج یابی به [سایت گلکسار](http://www.GaLexar.com) مراجعه کنید

دانلود رایگان مقالات و نرم افزارهای تبدیل گوشی به انواع ردیاب گران
قیمت مثل ردیاب ریفایندر، Rayfinder و جوتارا و یا ردیاب دو نفره جیو
لوکیتور، ردیاب دو نفره بیوتارا biotara و غیره

دانلود رایگان مقالات آموزشی کار با ردیاب و مقاله آشنایی با انواع فلزیاب
های تصویری

دانلود رایگان مقالات جدید و مقالاتی که در لیست زیر مشاهده میکنید در
سایت گلکسار

آموزش تبدیل گوشی موبایل به ردیاب شعاع زن فرکانسی همراه با نرم افزار

آموزش کار با ردیاب های آنتنی (ردیاب های گمانه زن)
آشنایی با انواع ردیاب و نحوه کار با آنها (حتما دقیق مطالعه کنید)

ساخت انواع آنتن برای ردیاب یا طلایاب های فرکانسی

آموزش ساخت ردیاب خوراک خور ساده

دانلود کتاب های مفید که به شما در گنج یابی کمک میکنند

لطفا سوال های خود در باره ردیاب را در سایت گلکسار مطرح کنید .
شماره تلفن ها برای کمک و خدمات گارانتی به کسانی است که فلزیاب های گلکسار را خریداری کرده و یا دادن اطلاعات به کسانی که مایل به خرید فلزیاب های گلکسار هستند

شرکت گلکسار ارائه دهنده بهترین دستگاه های فلزیاب، طلایاب و گنج یاب

شماره های تماس : 9119314595 و 09118335033